

جذبه عشق

سروده‌های عرفانی

طوطی همدانی

به سعی و اهتمام

محمود توحیدی امین



انتشارات کوهر منظوم

۱۳۹۰

سرشناسه : طوطی همدانی، ابوالحسن

عنوان و نام پدید آورنده : جذبه عشق: سروده‌های عرفانی طوطی همدانی / به سعی و اهتمام محمود توحیدی امین.

مشخصات نشر : تهران: گوه‌ر منظوم، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۱۷۶ ص.

شابک : ۹ - ۲۳ - ۸۹۹۴ - ۹۶۴ - ۹۸۷

وضعیت فهرست نویسی : فیا

عنوان دیگر : سروده‌های عرفانی طوطی همدانی.

م.ضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴

شناسه افزوده : توحیدی امین، محمود، ۱۳۳۱ - گردآورنده

رده بندی گنکرده : ۲۳۸۹ ج ۴ / ۶۵ و ۱۴۶

رده بندی دیویی. ۶۲ / ۸ فا

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۸۹۶۷۶



انتشارات گوه‌ر منظوم

نام کتاب: جذبه عشق

(سروده‌های عرفانی طوطی همدانی)

به اهتمام: محمود توحیدی امین

ناشر: نشر گوه‌ر منظوم

طرح جلد: زهرا مهابادی

حروفچینی و صفحه آرایی: سمیه توحیدی امین

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

بها: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹ - ۲۳ - ۸۹۹۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

(کلیه حقوق محفوظ است.)

فهرست



نگاهی به زندگی و اشعار طوطی همدانی	۱۵
مطلع دفتر	نیست بجز نام خدای کریم
مهر تابان	به نام آن کریمی کو مکرم کرده انسان را
شادی کونین	شادی کونین چیست؟ عشق و هوای خدا
طراز نامه عشق	طراز نامه عشق است نام پاک خدا
حدیث دلکش	ای آنکه از نام خوشتر رینت گرفته نامه ها
مهبط صفا	خواهی اگر چشمه آب بقا
جهان امید	چشمی ندیده مثل تو معشوق دلربا
شمس ازل	عشق سلطان قدیم داریم ما
گوهر مهر	زنده و جاوید شوم، گر بکشد یار مرا
راحت روح	ای مونس جان! از پرده درآ
گوهر مقصود	با آنکه ندیده است کس آن گنج نهان را
عزم سفر	هر دم از سودای تو، سود دگر داریم ما
قصه عشق	غمزه چشم تو عاقل می کند دیوانه را
عهد آست	زهی شاه و زهی شاه! که بنواخت گدا را
آب حیات	ای که ز جود تو بود بود ما
جام نور	ساقیا در جام پر کن نور را
نور یقین	بار خدایا به جلال علی
درد عشق	ای دل! بهوش باش که آمد حبیب ما

حیرت	کنم در نیام از چه تیغ زبان را ۵۶
سودای عشق	تو را چنانکه تویی، هیچ کس شناسا نیست ۵۷
داستان عاشقان	ای خداوندی که عالم سفره احسان توست ۵۹
حُسنِ عمل	چون من اندر پیشگاهت روسیاهی هست؟ نیست .. ۶۰
کتاب هستی	هر چند دل از فرقت تو در تب و تاب است ۶۱
منزل جانانه	گر بپرسند ز من منزل جانانه کجاست؟ ۶۲
مدّعی دل	هر چند مجدم سخنم از برای توست ۶۳
آوازه هستی	مقصد از این راه مرا سود نیست ۶۴
اکسیر تولّاً	نیست دل، آنکه نه او واله و شیدای تو نیست ۶۵
نرگس مستانه	هر چه غیر از حرف جانان نزد ما افسانه است ۶۶
اسرار خدا	سر نیست هر آن سر، که در او عشق خدا نیست ... ۶۷
طیبِ دل	بحر رحمت دایم، در تلاطم و جوش است ۶۸
تمنای حق	بغیر سایه لطف، مرا پناهی نسیت ۶۹
خورشیدِ مهر	صحبت جانانه من، راحت جان من است ۷۰
عشق بی پایان	طوطی ام، ذکر دوست قند من است ۷۰
دل شیدا	سال ها دولت وصل تو تمنای من است ۷۱
رضای الهی	تمنای من جز لقای تو نیست ۷۲
شمعِ جان	غیر سودای تو در سیر جهان سودی نیست ۷۳
حریم یار	غیر سودای غمت سودی در این بازار نیست ۷۴
کیمیای عشق	ماورای چرخ مأوای من است ۷۴
آستان عشق	به غیر عشق تو گر در سرم هوایی هست ۷۵
مناجات	الهی دلی ده که جای تو باشد ۷۵

سابقهٔ لطف تو مرا دهد این نوید..... ۷۶	آرزوی دل
مگر عشقت مرا از من ستاند ۷۷	شراب وصل
هر کسی طالب قند است و منم جاذب قند ۷۷	پند عشق
بهانه می‌طلبید رحمت خدای مجید ۷۸	امید رحمت
بریز ساقی می‌ام به ساغر، روان من کن به می معطر ۷۹	ساقی نامه
به وصف حُسن تو هر نکته می‌کنم تحریر ۸۰	حدیث دوست
برقع برافکن، زان ماه رخسار ۸۳	شاهِ خوبان
آنچه ز جان خوش‌تر است پیش من ایدر ۸۴	صدف جان
هر زمانی می‌نهی در راه ما دام دگر ۸۴	نقاش ازل
ای خداوند قدیم و پاک و بی‌انباز و یار ۸۵	عیار عشق
مطرب! کن ساز آهنگ حجاز ۹۰	ساقی ازل
ای روی تو شمس عالم دل ۹۰	حاکم دل
کو محرمی که شرح دهم ماجرای دل ۹۱	ماجرای دل
سر نیست هر سری که ندارد هوای تو ۹۲	تمنای دل
ای به ذات و وصف، فرد و بی‌بدیل ۹۳	صهبای عشق
جز ذکر جانان ای فتا، نبود چراغ جان و دل ۹۴	آینهٔ دل
با جذب دلبر، رفتم پی دل ۹۵	نگاهِ دوست
که دوست ز غم، شیدا کردم ۹۶	دریای عشق
خوش‌تر ز حرف جانان حرف دگر ندیدم ۹۶	صحبت جانان
الهی نظر کن بر احوال زارم ۹۷	نیروی عشق
به دل عزم تماشای تو دارم ۹۹	آتش عشق
روزی اگر روزی شود، جانانه را مهمان کنم ۱۰۰	بالِ همت

۱۴۲.....	یارب به رخم بگشا تو دری	دل شیدا
۱۴۳.....	ای پادشاه دلبران، دست من و دامن تو	پادشاه خوبان
۱۴۴.....	سر نیست آن سری که ندارد هوای تو	سلطان هستی
۱۴۵.....	زمزمهٔ عاشقان چیست هیاهوی تو	دلشدگان
۱۴۶.....	نیست جز خدا معبود، لا اله الا هو	لا اله الا هو
۱۴۷.....	ذکر هر دل آگاه، لا اله الا الله	لا اله الا الله
۱۴۸.....	آنکه وصل روی جانان را به نرخ جان خریده	مجنون عاقل
۱۴۹.....	در خور عفو تو چون ننموده‌ام جرم و گناه	خانقاه دل
۱۵۰.....	بغیر عجز ندارم شها به سوی تو راه	چراغ نگاه
۱۵۱.....	به فکر جان و جانانم همیشه	سوگند
۱۵۲.....	جز از فراق یار ندارم شکایتی	آیینۀ جمال
۱۵۴.....	همی خواهم که دلدارم تو باشی	راز و نیاز
۱۵۴.....	به نار قهرگر شها، مرا عذاب می‌کنی	یگانه مدعا
۱۵۵.....	خوش‌تر از عشق تو نبود به جهان سودایی	خانهٔ دل
۱۵۷.....	خواهم از وصف جمالت گر نویسم دفتری	وصف جمال
۱۵۸.....	الهی به من گر بلا می‌پسندی	تمنای وصال
۱۵۹.....	کی شود جانا، پرده برداری	آرزوی وصال
۱۵۹.....	ورد زبانم، سبحان ربی	سبحان ربی
۱۶۰.....	ای دلبری که بر همه خوبان تو دلبری	دلبر خوبان
۱۶۱.....	نه سر را هست جز فکر تو کاری	بهار من
۱۶۱.....	زهی بخت و زهی اقبال طوطی	رموز عشق
۱۶۲.....	تویی فرد در شاهی و کبریایی	مقصود من

گوئیای خاموش	وصف تو کنم به هر بیانی ۱۶۳
قبلة یقین	ای دستگیر گمراهان، لطفی نما یا سیدی ۱۶۳
آرزوی عشق	نه مراست جز وصال به دو کون آرزویی ۱۶۴
یاد خدا	ای مرغ بلند آشیانه ۱۶۶
طالب دنیا	فلک از بهر خونریزی چنان گرم است بازارش ... ۱۶۷
آئین راستان	ای دل! دو چشم معنی خود واکن ۱۶۸
خیرالعمل	گفت روزی خاتم پیغمبران ۱۶۹
شفای جان	به گیتی بگشتم بسی سالها ۱۷۰
بارالها	داغ شهر مهر خود تا در دل ما هشته‌ای ۱۷۱
نیایش	ای خالق رئوف و حیّ سرمد ۱۷۴